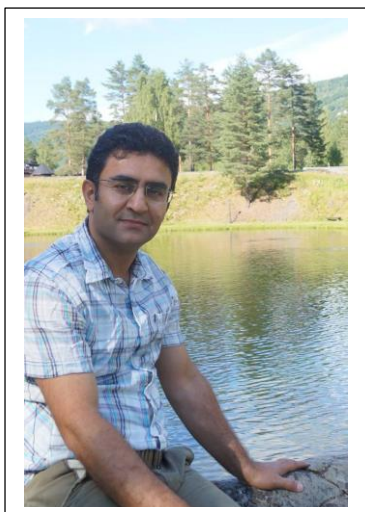


"جبهه متحد کرد" و حزب جدیدشان، در کدام جبهه قرار گرفته است؟

آریس زارعی ۲۵ دسامبر ۲۰۱۳



جبهه متحد کرد مثل بخشی از اپوزسیون رژیم در داخل و خارج کشور هر از چند گاهی به مناسبت‌های گوناگون بیان‌های بنا عرف روزگار مبارزه این دوره، صادر نموده و اهداف و وظایف متناسب منافع طبقاتی و سیاسی گروهی خود تعریف می‌کند. این روزها گروهی از دامن این جبهه اعلام موجودیت مستقل کرده و بنا نیست چیز بیشتری این از حزب مادر انجام بدهد، بلکه عکس العمل و تلاشی است برای جلب توجه حاکمان اسلامی و رهانیدن "جبهه" و طیف اصلاح طلب کورد از انزوا و سرو سامان بخشیدن به بی عملی خود و نشان دادن ظرفیتهای سیاسی و اجتماعی خود به قدرت و جبهه راست و بورژوازی ایران. به شباهتها و اشتراکات سیاسی و برنامه‌ای و استراتژیکی و بنا به صفر

بودن موتور "حزب" تازه متولد شده نقد و بررسی خود را بر کل طیف اصلاح طب کورد و مشخصا "جبهه متحد کرد" متمرکز خواهد بود. آنها در دوره اخیر ادعا میکنند که فعال شده‌اند و تلاشهایی نموده و به دستاوردهایی هم نائل آمده‌اند. اما چطور، در چه زمینه‌ای و کجا و با کدام معیار آنها کار در خدمت به منافع مردم محروم کوردستان انجام داده‌اند و باعث رفع مشکل و بی حقوقی گردیده‌اند و تاثیر کوششهای آنها چرا مشهود نیست و چرا آب از آب تکان نخورده و نمی‌خورد با "فعالیت‌های" این جبهه، کمترین معلومات و نتیجه ملموسی در جهت حمایت از مطالبات و منافع مردم زحمتکش کورد در دسترس است. نخستین پرسشی که بی پاسخ و بدون توضیح مانده است از سوی این طیف اصلاح طلب کورد داخل سازمان حکومتی رژیم و در راس آن رو به "جبهه متحد کرد" اینست که: چرا روزنامه‌نگاران نشریات "قانونی"، زنان مخالف قوانین جدایی جنسی (فعالان یک میلیون امضا)، کارگری که تنها مطالبه‌اش گرفتن حقوق معوقه‌اش است و کولبری که برای یک وعده غذای خانواده‌اش در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرد و دانشجویی که به خاطر اعتراض به پادگانی شدن دانشگاه، جریمه، شکنجه، زندان و تیرباران می‌شوند، اما این آقایان (چون فکر کنم جای برای زنان نباشد در هیئت موسس حزبشان) اگر واقعا کاری را انجام داده، مطالبه‌ای را خواهان بوده و یا به سلب حقوق و مطالبه‌ای از مردم کورد رو به رژیم "صریح بیان" نموده‌اند و اعتراض کرده‌اند، چرا با هیچ یک از این موانع و مشکلاتی که برای نیروها و جنبشهای بالا پیش آمده‌است، مواجه نشده‌اند؟ منظور این نسبت اگر گرفتار می‌آمدند نشانه‌ی جدیت و واقعی بودنشان می‌توانست باشد یا اینکه از آزار و اذیت آنها توسط دستگاه حاکمه سپاه پاسداران خوشحال بشویم، بلکه به این معنا است که یا تلاش و مطالبه مردمی از سوی این جبهه نشده است یا اگر شده است دارای هیچ وزن و تاثیری نبوده و برای رژیم ایجاد نگرانی نکرده است. حالا بنا بر این داده‌های کلی و عدم نفوذ کلام و در انزوا بودن این جبهه، ادعاها و اهداف "بزرگ" و بسیار متناقض با هم را در دستور کار تبلیغاتی خود قرار داده‌اند.

با تعریفی که شد، معلوم نیست که این طیف با کدام اعتبار اجتماعی و سیاسی و با چه پشتوانه‌ی مبارزاتی در کوردستان می‌خواهد به اهدافی نظیر "تاسیس جبهه متحد کرد به منظور تحقق اهداف انقلاب ۵۷، اجرای همه اصول قانون اساسی، تامین حقوق و انتظارات مردم کرد و دیگر مناطق محروم و گسترش

دمکراسی، عدالت اجتماعی و توسعه متوازن" دست یازد؟ معلوم نیست این معجون " اجرای همه اصول قانون اساسی... و عدالت اجتماعی" به شدت در تضاد با هم را به چه شکل می خواهد آشتی بدهد؟! آخر مگر نه اینست که این "اصول قانون اساسی" رژیم اسلامی شامل سنگسار، اعدام، تبعیض به شدت بیرحمانه میان زن و مرد، شوهر دادن دختران خردسال، صیغه (تن فروشی شرعی) و شهروندان درجه یک و دو و ... خلاصه نظارت کامل و تصمیم گیرنده اصول شریعت اسلامی شیعه، میشود؟ در طول "فعالتهای" ۸ ساله‌ی خود کجا و کدام " بیان صریح کف مطالبات مردم ایران و بویژه مناطق کردنشین و محروم کشور و تبدیل آن به مسئله روز در جامعه ایران و کردستان و نیز تبدیل آن به شعار انتخاباتی کاندیداهای ریاست جمهوری در دهمین دور انتخابات ریاست جمهوری" اتفاق افتاده و نتیجه این "بیان صریح کف مطالبات مردم ایران" چه بوده و اصلاً منظور از "کف مطالبات" چیست در فرهنگ سیاسی و مبارزاتی شما؟ مگر نه اینست که مبارزه برای آزادی همین "بیان صریح" و طلب همین "مطالبات" که شما "کف" هم به آن افزوده‌اید، روزی نیست که سر مبارزان واقعی آنرا بردار نکند و خون مطالبه کنندگان حقیقی و صادق آنرا بر دیوار سیاه‌چالهای رژیم و کف خیابانهای مملکت نیفشاند؟ پس شما دقیقاً در کجا ایستاده‌اید و چه کارها و "فعالتهای" انجام داده اید طی این ۸ سال؟ به صورت و کت و شلوار هایتان نگاهی بیندازید و ببینید قطره خونی از این کشتارهای کولبران و کاسبکاران کورد یا تف زندانیان در بند و بر دار - آویخته - شده بر آنها ننشسته است. جبهه متحد کرد، این بخش از ادعاهایش را این چنین فرموله و نتیجه‌گیری می کند. " این بخش از فعالیت جبهه ، تاثیر ماندگاری در تاریخ این مرحله از تلاش مردم ما برجای گذاشت و مطالبات مردم ما را که به تابوئی هراسناک تبدیل شده بود ، از حوزه موضوعات ممنوعه خارج و در جایگاه واقعی خود یعنی دایره حقوق قانونی مردم قرار داد . حقوقی که نه زیاده خواهی و ضد انقلابی ، بلکه قانونی است و تامین آن وظیفه مسئولین مملکتی است . " اگر این "جبهه" هیچ اصول اخلاقی مبارزه و منطق و ضوابط متدیک بررسی و نتیجه‌گیری دستاوردهای فعالیت‌های یک سازمان را رعایت میکند، به مردم بگوید که از کدام "بخش فعالیت" و کدامین "مطالبات تابوئی" سخن می‌گوید؟ اینجا با آوردن یکی دیگر از شاهکارهای این جمع "دکتر" که تقریباً جوهر وظایف و اهداف تعریف شد و آنها را به تصوری میکشد و نشان از تعیین تکلیف برای "جبهه دکترها" است، به نقل قولهای بیانیه "جلسه شورای مرکزی جبهه متحد کرد در تهران - ۲۲ شهریور ۱۳۹۲ خورشیدی " پایان میدهم. "نتیجه همین تعامل بود که به مشارکت فراگیر و بی سابقه مردم مناطق کردنشین و استقبال آنان از تعهدات و تضمین های دکتر حسن روحانی و افزودن حد اقل ۵ میلیون رای " آری " به آرای ایشان و قطعی نمودن نتایج انتخابات در دور نخست منجر گردید . مردمانی که برخلاف تبلیغات رایج ، تنها به امید تنش زدائی و ایجاد تغییرات مثبت در مدیریت خرد و کلان کشور پای در میدان مشارکت در انتخابات گذاردند .

اگر سپاه پاسداران زورش به شما نمی رسد و پارتی کلفتی دارید، چرا به جای تشکیل دادن یک حزب پر درد سر "رادیکال و دمکراسی خواه" که بنا به اظهارات خودتان برای راضی نمودن کارگزاران رژیم باید یک پایتان در سپاه و اطلاعات و غیره باشد، با همان "جبهه متحد"تان ادامه نمی دهید و لطف نمی کنید از نان و کار و حرفه و حقوق اولیه این روزنامه‌نگران، کارگران، زنان و دانشجویان و کولبرها که تحت نام "زندانیان امنیتی" به سیاه چالها کشانده می شوند، به حمایت بر نمی خیزید؟ چرا از اعدام جوانان "طرفدار مبارزه مسالمت آمیز" غیر مسلح جلوگیری نمی کنید؟ شاید بگوید که این کار "خطر" و سنگینی است برای ما، باشه، اینرا برای طرفداران مبارزه قهرآمیز و انقلابی بگذارید. اما چرا زبان در کام فرو بسته‌اید و اگر موافق این رفتار و قوانین و سیاست شنیع و بربرمنشانه نیستید،

اعتراض نمیکنید؟ آیا بیان اعتراض و مخالفت با این جنایتها هم برای شما مشکل و خط قرمز است و باید بروید با کارگزاران سپاه و اطلاعات مشورت و نظرخواهی بکنید؟ قدمت فعالیتهای قانونی طیف شما کمتر از احزاب اسلامی در کردستان عراق نیست، آنها در آنجا یک پایه اساسی قدرت هستند، شما چرا علنی نمیکنید وجود این دوزیستی خود را؟ اگر هم راستگو و دلسوز ملت کورد هستید و برای رفع محرومیتها و ستمگریهای مختلف از مردم کردستان تلاش میکنید، چرا برای انتخاب اسم حزب و تعیین افراد موسس و سیاستهای حزبتان باید به شکل استراتژیک و حیاتی به کارگزاران رژیم وصل باشید؟ اگر صادق و مبارز و ضد ظلم و بی دادی و جنایت رژیم اسلامیتان هستید، چرا راه اپوزسیون داخلی کورد را در ترکیه پیشه نمی کنید؟ شما هیچ یک از این کارها را نخواهید کرد. خواسته یا ناخواسته شما بخشی از پروژه سوپاپ اطمینان رژیم اسلامی هستید هر چند کم وزن هم باشید. بیشتر تشکیل دهندگان این "جبهه" در تهران زندگی میکنند. اولاً چطور ممکن است که شما با سفری به کردستان و برگشتن به مرکز به مشکلات و مطالبات خلق کورد رسیدگی بکنید و آنها را حل و فصل کنید؟ دوم شما که خوشبختانه اکثراً دارای تحصیلات و مشاغل عالی و تخصصی پول ساز هستید، چرا به عنوان نشان دادن حسن نیت و دلسوزیتان برای ملت کورد در میان مردم کردستان و برای این منطقه خدمات ارائه نمیدهید. چرا از تواناییها و تخصص خود برای ارتقاء سطح سلامتی، بهداشت، تعلیم و فرهنگ و بنیاد نهادن ساختاری مهندسی در ساخت و ساز، زیرساختهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی به کردستان بر نمی گردید و در آنجا به خدمتگزاری و زدودن تبعیضات و محرومیتها و ستمگری رژیم تلاش نمیکنید؟ دبیر کل "جبهه" آقای، رحیم فرهمند، انقلاب مردم به جان آمدهی ایران را برای رهایی از ستمگری و استثمار و نابرابریهای اجتماعی و سیاسی و حقوقی و اقتصادی، که خود او هم اعتراف میکند که بارها خیابانهای مهاباد را غرق در خون مردم معترض دیده و تصاویر اعدام و آویزان نمود پیکر مبارزانی چون کاک "سلیمان معینی، ملا مراد شیرپژ" بر تیر برقها و دیوارهای شهر او را تکان داده است، را "انقلاب اسلامی" و جنایتکار تاریخ معاصر ایران را یعنی "روح الله خمینی" را رهبر انقلاب میدانند! آیا منظور این است که مردم ایران برای برقراری یک نظام اسلامی و حکومت شریعت اسلامی علیه رژیم شاه خروشانند و قیام کردند و مردم کردستان هم می خواستند که آقای "احمد مفتی زاده" را بر تخت صدارت بنشانند تا نتیجه انقلابشان با بقیه مناطق ایران جفت و جور در بیاید؟ معلوم است وقتی آنالیز و شناخت و اعتقاد جبهه متحد کرد و کل طیف کردهای ملتزمان به قانون اساسی رژیم اسلامی ایران بر این پایه استوار باشد، وظایف و اهداف تعریف شدهشان در چهارچوب رفع موانع جلو اجرای کل "اصول قانون اساسی" در کردستان، تامین نیازها و امنیت منافع استقرار این نظام و قوانینش خواهد بود. شواهد عینی و عمل این جمع این واقعیت را به تصویر می کشد که این "جبهه" و همهی آنهایی که معتقد هستند که با اجرای تمام و کمال قانون اساسی جمهوری اسلامی می توان به "کف مطالبات" مردم ایران و کردستان رسید، حاضر به هیچ نوع ریسک مبارزاتی چالشگرانه نیستند. بنابراین بر اساس فاکتهای موجود که استناد است به ادعاهای، نوع فعالیت و تلاشهای تا امروزیشان، طیف "جبهه متحد کرد" خدمتگزار ملت کورد نیستند. اصلاح طلبان کرد و جبهه متحد کرد، در بهترین حالت می توانند نمونه و کپی اسلامی احزاب کارتونی کورد دست ساز رژیم صدام حسین در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی در عراق باشند و همین نقشها را بازی بکنند که به آنها سپرده خواهد شد و همه امروز به روشنی می دانید که وظیفه و نقش آن گروهها و احزاب عشایری چه بود. عوامفریبی در کردستان و مرکز نشینی و خوش شدن با کارگزاران و مدیران رژیم اسلامی در تهران، اسمش خدمت کردن به ملت کورد و "بیان صریح کف مطالبات" آنها نیست و اگر هم باشد عملاً هیچ کاری انجام نداده‌اید و اگر

هم انجام داده‌اید هیچ گامی رو به جلو در لیست فعالیت‌هایتان ندارید و دست‌آورد همه‌ی این سال‌های شما " مشارکت فراگیر و بی سابقه مردم مناطق کردنشین و استقبال آنان از تعهدات و تضمین های دکتر حسن روحانی و افزودن حد اقل ۵ میلیون رای " آری " به آرای ایشان و قطعی نمودن نتایج انتخابات در دور نخست منجر گردید"، بوده است که در همین چند ماه زمامداری این "دکتر" آمار کشتارهای قانونی (اعدام) پس از دهه ۶۰ خورشیدی بی سابقه بوده است.

آریس زارعی

منابع

<http://bykurd.com/بیانیه-ها/227-جلسه-شورای-مرکزی-جبهه-متحد-کرد.html>

مصاحبه کوردی دبیر کل "جبهه متحد کرد" آقای رحیم فرهمند با سایت روزه‌لالت تایمز.

مندرج در نشریه مبارزه طبقاتی شماره ۱۵